

بررسی و مقایسه سطح ادبی تاریخ گردیزی و تاریخ سیستان

A Comparative Study of the Literary-ethorical Level of *History of Gardizi* and *History of Sistan*

Ali Hassan Sohrabnejad*
Soraya Baharzadeh*

علی حسن سهراب‌نژاد*
ثریا بهارزاده**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

Abstract

The History of Sistan and the Gardizi History includes the thought, linguistic and literary features of Persian language. The study of historical books, in addition to their historical content, is also important and necessary in terms of prose rethorical characteristics. This study, by examining the rethorical structure of *the Gardizi History* and the *History of Sistan* through a comparative and descriptive-analytical method, attempts to highlight the rethorical features of the historical prose books of the early centuries of the emergence of the Persian language. The comparison of these two works suggests that both are simple and psychic to the books of their period. This is due to the influence of the prose of the history of the history of the history of dialectical history, as well as the efforts of their authors in translating history in plain language. The literary features of prose are the lack of use of verbal and verbal artifacts and array expressions, and the use of a handful of innovative spiritual archetypes of verses and hadiths and assurances of Persian and Arabic poetry in the *History of Sistan* and briefness.

Keywords: Persian Prose, Literary-ethorical Level, *Gardizi History*, *History of Sistan*.

چکیده

بررسی کتب مشهور تاریخی قرون اولیه پیدایش زبان فارسی علاوه بر محتوای تاریخی آنها، از نظر مطالعات سبک‌شناختی و به‌ویژه مختصات ادبی و بلاغی نثر آنها در خور توجه است. حال آن‌که در مطالعات سبک‌شناسی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. بررسی سبک‌شناختی این نوع از آثار مشهور و تطبیق آن‌ها که می‌تواند نشانگر نثر غیرادبی معمول و یا حتی نثر درباری دوره‌های تکوین و تکامل زبان فارسی باشند؛ بر اهمیت و ضرورت تحقیق می‌افزاید. این پژوهش با بررسی ساختار بلاغی تاریخ گردیزی و تاریخ سیستان به روش تطبیقی و به شیوه توصیفی-تحلیلی درصد برشمردن ویژگی‌های بلاغی این دو کتاب است. مقایسه سبکی این دو اثر نشان می‌دهد هر دو کتاب نسبت به نثر کتب هم دوره خود، نثری ساده و روان دارند و این امر می‌تواند به دلیل تأثیرپذیری کتب مذکور از نثر تاریخ بلعمی باشد. از سویی دیگر اهتمام نویسندگان این دو کتاب در نقل تاریخ به زبان ساده از جمله دلایل سادگی و روانی نثر آنها است. از ویژگی‌های ادبی نثر آنها، ایجاز در بیان، عدم کاربرد صنایع بدیع لفظی و آرایه‌های بیانی و کاربرد انگشت‌شمار آرایه‌های بدیع معنوی از جمله استشهاد به آیات و احادیث و تضمین به اشعار فارسی و عربی است.

کلیدواژه‌ها: نثر فارسی، سطح ادبی-بلاغی، تاریخ گردیزی، تاریخ سیستان.

*. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author); sohrabnejad23@gmail.com

*. M.A. Student in Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran; sepahvand57@gmail.com

*. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول); sohrabnejad23@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران; soraya.baharzadeh57@gmail.com

مقدمه

سبک شیوه بیان اندیشه، وابسته به نوع ادراک ماهیت موضوع، با توجه به انتخاب الفاظ و تعابیر و ترکیب‌های مختلف در زبان است. شمیسا در کنار این تعاریف، شاخصه‌ای دیگر را برای تعریف سبک به‌کار گرفته‌اند و آن تکرار ویژگی‌ها در یک اثر و یا به‌عبارت‌دیگر بسامد ویژگی‌ها در یک اثر است: سبک عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله کلمات و انتخاب الفاظ و طرز بیان. سبک تکرار ویژگی‌های یک اثر است (شمیسا، ۱۳۸۴: ۱۷)؛ بنابراین تکرار مختصات نحوی و صرفی در یک اثر نشانگر سبک آن اثر است. فتوحی نیز یکی از شاخصه‌های مهم سبک را تکرار و بسامد بالای ویژگی‌های صرفی و نحوی می‌داند و می‌نویسد: «سبک، زمانی هویت پیدا می‌کند که تکرار و تداوم عناصر صوری، محتوایی در سخن یک گوینده محسوس باشد. لازمه شکل‌گیری سبک بسامد بالای مشخصه‌های سبک‌ساز است و نه کاربرد اندک و رخدادهای اتفاقی در متن» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۸). یکی از زمینه‌های پژوهش در مطالعات سبک‌شناسی هر دوره از تاریخ تحول زبان فارسی، کتب تاریخی نوشته‌شده در هر دوره است. کتب تاریخی علاوه بر محتوا و اطلاعات تاریخی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی دوره خود، می‌توانند نمایانگر سیر تحول نثر فارسی نیز باشند. چرا که بیشتر کتب تاریخی تحت حمایت پادشاهان دوره خود نوشته‌شده‌اند و متأثر از زبان رسمی و تحولات سیاسی و اجتماعی زمان خود می‌باشند. باید دانست که اغلب مورخان سعی در ساده‌نویسی و تنها گزارش تاریخ داشته‌اند اما از قرن ششم به بعد مورخان نیز کم‌وبیش تحت تأثیر نفوذ زبان عربی و کاربرد صنایع لفظی و معنوی برای آرایش کلام گشته‌اند. یکی از مهم‌ترین متون تاریخی دوره غزنویان کتاب تاریخ گردیزی یا زین‌الخبار است. «در

حدود سال ۴۴۲ هجری، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک گردیزی اثری به نام زین‌الخبار را که تاریخی عمومی و نخستین تاریخ تألیف‌شده به زبان فارسی بود، نوشت» (برتولد، ۱۳۸۰: ۷۱). زرین کوب در کتاب تاریخ ایران بعد اسلام درباره منابع گردیزی در نوشتن کتاب زین‌الخبار این گونه می‌نویسد: کتاب تاریخ‌گردیزی در زمان سلطنت عبدالرشیدبن مسعود در شهر غزنه تألیف یافته و درحقیقت قسمتی از آن اقتباس و تقلیدگونه‌ای از الاثارالباقیه ابوریحان بیرونی است که در آن به تاریخ عمومی اسلام و تاریخ ایران بعد از اسلام توجه بیشتری کرده‌است. روایات گردیزی در باب اخبار خراسان ظاهراً عمده مبتنی بر اخبار خراسان سلامی است که مأخذ این‌اثر هم همان کتاب بوده‌است. زین‌الخبار به سبب اشمال بر اخبار قدیم خراسان، اهمیت خاص دارد. آنچه راجع به تاریخ اسلام در این کتاب هست در دو قسمت جداگانه انتشار یافته‌است. یک قسمت عبارت‌است از تاریخ خلفاء و عمال عرب که در دنباله اخبار ساسانیان آمده‌است و دیگر تاریخ طاهریان است تا غزنویان که درباره حوادث زمان حیات مؤلف است، باری این کتاب با وجود نهایت ایجاز، از جهت تاریخ سامانیان و غزنویان و دوره نزدیک به آن مأخذی مهم و معتبر محسوب می‌شود (زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ۳۱۳).

کتاب دیگر که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته کتاب تاریخ سیستان است. تاریخ سیستان یا به گفته برخی سیستان‌نامه، کتابی است درباره رویدادهای سیستان که به زبان فارسی نگاشته شده است. این تاریخ را نویسنده‌ای گمنام به زبان فارسی نوشته‌است و به دو بخش مجزا و مستقل با ۴۱۵ صفحه تقسیم می‌شود. بخش نخست (از صفحه ۱ تا ۳۵۸) دربردارنده تاریخ مفصل و جامع سیستان تا حدود سده چهارم/دهم

باشد، چراکه علائمی که از رسم الخطی که در این نسخه موجود باقی است گواهی می‌دهد که از روی نسخه کهنه و قدیمی استنساخ شده و چون تاریخ سیستان در سنه ۷۲۵ به پایان می‌رسد، دور نیست که این نسخه هم چندی پس از آن از روی نسخه اصل رونویس شده باشد. متأسفانه مؤلف این تاریخ معین نیست، زیرا پس از خطبه بدون ذکر اما بعد و معرفی صاحب تألیف یکباره داخل مطلب شده و بی‌تدارک عنوان و فصلی به یک جمله ناتمام از متن ابتدا کرده و در حشو کتاب هم ذکری از خویش به میان نیاورده و تا جایی که به نظر حقیر رسید در کتب تاریخی نیز از این تاریخ و نام مؤلف آن چیزی نیست. ولی در کتاب موسوم به احياء الملوك تألیف شاه حسین بن ملک غیاث الدین محمد از سلسله صفاریان که ظاهراً در اوایل قرن ۱۱ هجری تألیف شده و تا سنه ۱۰۲۷ هجری از قدیمی‌ترین ازمنه تاریخ سیستان شرح داده است در صفحه دو کتاب خویش چنین می‌نویسد: وقایع سلاطین و ملوک آنجا را ابو عبدالله که از ثقات راویان حدیث است به زبان عربی به قلم آورده و در زمان دولت شاه قطب‌الدین شاه علی، ابو محمد نامی نسخه عربی را فارسی نموده و امیر فاضل امیر محمد مبارز که جد مادری راقم این نسخه است تاریخی به شرح و بسط تا زمان ملک نظام الدین یحیی تألیف نمود و در ایام صبی در دبستان چند جزو از آن نسخه به نظر این حقیر درآمده و الحال آن نسخه در میان نیست. از این مختصر معلوم می‌شود که فضلالی سیستان از تاریخی قدیمی که شاید همین تاریخ سیستان باشد؛ سینه به سینه خبری داشته‌اند یا شاید جزواتی از آن در دستشان بوده‌است ولی در این امر یقینی وجود ندارد» (بهار، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۸).

در کتاب‌های تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی به صورت مختصر و پراکنده اشاراتی به سبک و

است. سبک آن کهنه و وابسته به پایان سده چهارم/دهم یا آغاز سده پنجم/یازدهم است. بخش دوم (از صفحه ۳۵۹ تا ۴۱۵) با سبکی ساده و روان تألیف شده و خلاصه وقایع را تا پایان سده هفتم/سیزدهم را در بردارد (آژند، ۱۳۸۰: ۲۶).

این کتاب نخستین بار در سال‌های ۱۲۹۹-۱۳۰۲ق با عنوان تاریخ سیستان، بدون تصحیح انتقادی و تنها به انگیزه حفظ متن از خطر نابودی، به صورت پاورقی در روزنامه ایران قدیم (از شماره ۵۶۴-۴۷۴) به چاپ رسید. تقریباً یک قرن بعد میلتن گلد در ۱۹۷۶م ضمن ترجمه این اثر به انگلیسی آن را تاریخی «اسلامی» معرفی کرد (پزشک، ۱۳۸۵: ۲۹۴). بهار در مقدمه‌ای که بر تصحیح تاریخ سیستان نوشته در رابطه با نام این کتاب و علت نامگذاری این کتاب به تاریخ سیستان می‌نویسد: «این کتاب را در پاورقی ایران تاریخ سیستان نامیده‌اند، لیکن در نسخه اصل اثری از این نام نیست، در یکی دو جا از کتاب فضایل سیستان و اخبار سیستان که تألیف دیگران است، نام می‌برد و گاهی هم اشاره به کلمه تاریخ می‌نماید. ولی یقین نداریم که نام آن سیستان‌نامه یا اخبار سیستان یا تاریخ سیستان یا چیز دیگری بوده و ما از طبع نخستین پیروی کرده و نام آن را تاریخ سیستان نهادیم، چه بر همین نام نیز مشهور بود» (بهار، ۱۳۸۱: ۱۷).

بهار همچنین در رابطه با نسخه اصلی تاریخ سیستان و مشخص نبودن نام مؤلف آن می‌نویسد: «نسخه اصلی تاریخ سیستان کتابی است خشتی با کاغذ خان بالغ زرد به خط نسخ بسیار پخته با عناوین قرمز و هر صفحه ۱۷ سطر و هر سطر بین ۱۴-۱۵ کلمه و بسیار کم نقطه و رسم الخطی ویژه و مختص خود است. این نسخه قبل از سنه ۸۶۴ از روی نسخه قدیمی‌تری نوشته شده و بعید نیست که نسخه منقول عنها همان نسخه اصل مؤلف بوده

محتوای این دو اثر شده است. صفا در کتاب *تاریخ ادبیات ایران* (۱۳۸۴) به معرفی این دو اثر و شرح حال نویسندگان آن پرداخته است. بهار در کتاب *سبک‌شناسی* (۱۳۳۷) با ذکر نمونه‌هایی، ویژگی‌های سبکی این دو اثر را به اجمال بررسی کرده است. شمیسا نیز در کتاب *سبک‌شناسی نثر خود* (۱۳۸۴) در فصل سوم که به نثر مرسل اختصاص دارد بسیار کوتاه *زین الاخبار* و *تاریخ سیستان* را معرفی کرده است. علاوه بر این کتب، مقالات و پایان‌نامه‌هایی نیز به بررسی ویژگی‌های مختلف *تاریخ گردیزی* و *تاریخ سیستان* نیز پرداخته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها لاری منفرد (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «مقایسه تاریخی، زبانی و بلاغی *تاریخ بیهقی* و *زین الاخبار گردیزی*» که در دانشگاه تربیت معلم تهران تدوین کرده به مقایسه تاریخی، زبانی و بلاغی *تاریخ بیهقی* و *زین الاخبار گردیزی* پرداخته است. پناهی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «اصطلاحات دیوانی و اداری در کتاب *تاریخ سیستان*» اصطلاحات دیوانی و اداری را در *تاریخ سیستان* مورد قرار داده است. سلیمانی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی عناصر دستور تاریخی در کتاب *تاریخ سیستان*» که در دانشگاه یزد تدوین نموده‌است به بررسی عناصر دستور تاریخی و استخراج مهم‌ترین شاخصه‌های دستور تاریخی در کتاب *تاریخ سیستان* پرداخته است. ابراهیمی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی سطح زبانی و ادبی *تاریخ گردیزی* و *تاریخ عالم آرای عباسی*» که در دانشگاه ایلام تدوین نموده‌است به بررسی و مقایسه تطبیقی شاخصه‌های زبانی و ادبی دو کتاب *تاریخ گردیزی* و *تاریخ عالم آرای عباسی* پرداخته است. ده‌مرده (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «نگاهی به سبک تاریخ‌نگاری *تاریخ سیستان*» شیوه تاریخ‌نگاری نویسندگان *تاریخ سیستان* را از

جنبه‌های مختلف مورد بحث قرار داده است و نیز پژوهش‌های متعدد دیگری که هرکدام به بررسی یکی از ابعاد این دو کتاب مذکور پرداخته‌اند. باید دانست که در رابطه با بررسی و مقایسه سطح ادبی *تاریخ گردیزی* و *تاریخ سیستان* تاکنون پژوهش مستقلی ارائه نشده‌است.

بنابراین بررسی و مقایسه سبک‌شناسی این دو اثر از نظر ادبی می‌تواند در نمایان ساختن شاخصه‌های بلاغی نویسندگان و مورخان قرون اولیه فارسی مؤثر باشد. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که کاربرد آرایه‌های ادبی و شیوه‌های بلاغی کتب *تاریخ گردیزی* و *تاریخ سیستان* در سه سطح بدیع، بیان و معانی چگونه است و درنهایت با تطبیق و مقایسه شاخصه‌های ادبی این دو اثر تاریخی نمونه‌هایی از شاخصه‌های بلاغی کتب مثنوی تاریخی قرون اولیه نثر فارسی را ارائه کند.

۱. کاربرد آرایه‌های بدیعی

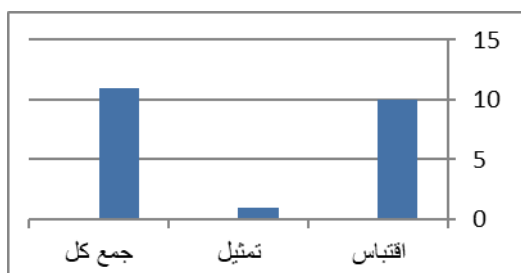
«کلمه بدیع در لغت به معنی چیز تازه و نوظهور و نوآیین و در اصطلاح عبارت است از آرایش سخن فصیح بلیغ، خواه نظم باشد و خواه نثر؛ و مرادف آن را سخن آرای و نادره گویی و نغز گفتاری می‌توان گفت. موضوع علم بدیع سخن ادبی فصیح و بلیغ است و اموری که موجب زینت و آرایش کلام بلیغ می‌شود، محسنات و صنایع بدیع می‌نامند، مانند سجع، جناس...» (همایی، ۱۳۷۳: ۸). «صنعت‌های بدیع را به دو قسم لفظی و معنوی تقسیم می‌کنند. (۱) صنعت‌های لفظی یا بدیع لفظی آن است که زینت و زیبایی کلام مربوط به الفاظ باشد، چنانکه اگر الفاظ را با حفظ معنی تغییر دهیم آن حسن زایل گردد. (۲) صنعت‌های معنوی یا بدیع معنوی آن است که حسن و تزئین کلام مربوط به معنی باشد نه لفظ، چنانکه اگر الفاظ را با حفظ معنی تغییر دهیم باز آن حسن

باقی بماند» (همان: ۳۷).

بوده است، وجود ندارد» (خطیبی، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

فراونی کاربرد صنایع بدیع معنوی در کتاب تاریخ گردیزی در جدول و نمودار زیر نشان داده شده است.

نوع آرایه بدیع معنوی	تعداد	درصد
استشهاد به آیات و احادیث	۱۰	۹۰ / ۹۰
تمثیل	۱	۹ / ۰۹
جمع کل	۱۱	-



- و این زمین را مستقر بنی آدم کرد و بدان بر ایشان منت نهاد که گفت آنجا: *وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ* (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۶۶). {استشهاد به آیات و احادیث}

- امیر ابوالحسن تیره شد خشم گرفت و گفت: «والی خراسان منم، سپه سالار ابوعلی ست پسر من. والله که من ستاره به روز بدیشان نمایم» (همان: ۱۷۵). «ستاره به روز به کسی نمودن. کیفی سخت به او دادن. بادافره کار زشت او را بدو دادن. روز او را چون شب تیره کردن» (دهخدا، ۱۳۶۳: ۲ / ۶۴۵).

تمثیل {

جدول و نمودار مربوط به شیوه‌های استشهاد به آیات و

احادیث در کتاب تاریخ گردیزی

تعداد	شیوه کاربرد آیات و احادیث
۲	صورت کامل عربی آیه
۵	آوردن جزئی از صورت عربی آیه بدون ترجمه
۲	آوردن بخشی از ترجمه آیات
۱	صورت کامل عربی حدیث
۱۰	جمع کل

۱-۱. کاربرد آرایه‌های بدیع لفظی

در بررسی کتاب تاریخ گردیزی که به شیوه نثر تاریخ بلعمی (تألیف دوره سامانی) نوشته شده است و نیز کتاب تاریخ سیستان، برای کاربرد صنایع بدیع لفظی موردی مشاهده نشد. بهار در مقدمه‌ای که بر تاریخ سیستان نوشته در این رابطه می‌نویسد: «تاریخ سیستان سجع هیچ ندارد و گویی با این صنعت که نوعی از شاعریست و ربطی به نثر ندارد آشنا نبوده است» (بهار، ۱۳۸۱: ۲۸). عدم وجود صنایع بدیع معنوی در کتب تاریخی این دوره تنها منحصر به تاریخ گردیزی و تاریخ سیستان نبوده بلکه در نثر تاریخ بیهقی که از نظر جنبه‌های بلاغی بر نثر دو کتاب مورد بررسی این پژوهش برتری دارد نیز کاربرد آرایه‌های بدیع لفظی انگشت‌شمار است. علت این امر علاوه بر تعهد نویسندگان کتب تاریخی در ارائه تاریخ به دور از هرگونه حاشیه و لفظ‌پردازی و آرایش کلام و... تأثیرپذیری از زبان رایج و معمول قرن چهارم و اوایل قرن پنجم است، یعنی فارسی دری همان زبانی که امروز صیقل یافته و تراشیده شده و پخته و سخته، به دست ما رسیده است.

۲-۱. کاربرد آرایه‌های بدیع معنوی

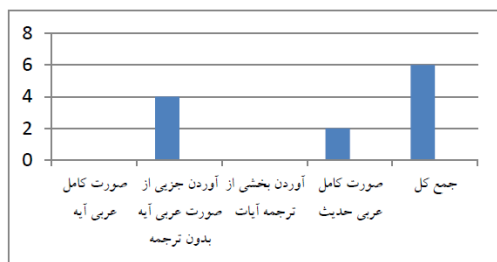
کاربرد صنایع معنوی بدیع در تاریخ گردیزی معدود است خطیبی در فن نثر درباره کاربرد صنایع بدیع معنوی در نثر دوره سامانی می‌نویسد: «در نثر این دوره آیات قرآنی و اخبار و احادیث، تنها به همان مقدار نقل می‌شوند که رشته کلام به اقتضای معنی بدان می‌پیوست؛ نه به صورت ارکان زینتی بر سبیل استشهاد و تمثیل، چنانکه در دوره بعد متداول و معمول شد. در نثر مرسل درج یا تضمین اشعار و امثله برای آرایش و زینت کلام جز در مواردی معدود که در بیان معنی بدان نیاز

باری تعالی وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (شعراء / ۲۲۷) (تاریخ سیستان، ۱۳۸۱: ۱۳۶). {استشهاد به آیات و احادیث}

جدول و نمودار مربوط به شیوه‌های استشهاد به آیات و

احادیث در کتاب تاریخ سیستان

شيوه کاربرد آیات و احادیث	تعداد
صورت کامل عربی آیه	-
آوردن جزئی از صورت عربی آیه بدون ترجمه	۴
آوردن بخشی از ترجمه آیات	-
صورت کامل عربی حدیث	۲
جمع کل	۶



از دیگر آرایه‌های بدیعی در کتاب تاریخ سیستان، آرایه تضمین به اشعار شاعران هم عصر مؤلف است. باید دانست یکی از دلایل اهمیت کتاب تاریخ سیستان اشاره و تضمین به اشعار است که در زمره اولین اشعار زبان فارسی دری به شمار می‌روند. ذکر این نکته در رابطه با تضمین در کتاب تاریخ سیستان نیز لازم است که «تاریخ سیستان و تاریخ گردیزی که شاید شعری نیاورده‌اند مگر شعرهایی که مربوط به تاریخ و جزء تاریخ است. مثلاً تضمین به اشعار عربی خطیب فوشنج و بدیع الزمان:

قصدت السید الملک المؤید

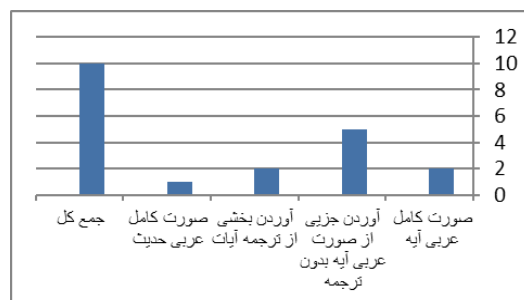
بارض تنبت الآمال فیها

و خذ المکرمات به مورد

لأن سحابها خلف بن احمد

اکفف بحق الله عن هذا الصلف

ملک الملوک بنی الملوک عن السلف



در بررسی کتاب تاریخ سیستان از نظر کاربرد آرایه‌های بدیع معنوی مشخص شد که نویسندگان این کتاب تاریخی تمایل به کاربرد آرایه‌هایی چون تمثیل و... نداشته‌اند و تنها چندین مورد انگشت‌شمار کاربرد و استشهاد به احادیث و آیات قرآن مشاهده شده که این نوع کاربرد آیات و احادیث نیز نه با هدف تزیین و آرایش کلام و تنها به فراخور روایت تاریخ نقل شده است این درحالی است که در نشر کتب تاریخی که بعد از تاریخ گردیزی و تاریخ سیستان تدوین شده از جمله تاریخ بیهقی، نویسنده در میانه کلام و متناسب با بحث و به منظور تأثیر بیشتر کلام از این نوع آرایه بدیعی استفاده شده است. از جهت کیفیت ارتباط آیات و احادیث با نثر باید گفت که در هر دو کتاب مورد بررسی پیوستن آیات و احادیث به نثر بدون هیچ گونه فاصله و استعمال کلمه‌ای است که آیه یا حدیث را از نثر متمایز نشان دهد، است به گونه‌ای آیه یا حدیث دنباله عبارت فارسی است؛ و از جهت کیفیت ارتباط معنوی آیات و احادیث با نثر دو کتاب مذکور نیز باید گفت در هر دو کتاب کاربرد آیات و احادیث به طریق متمیم و تکمیل است از جمله کاربردهای این آرایه در کتاب تاریخ سیستان عبارت است از:

- چون به نزدیک دمشق رسیدند به زر نگاه کردند که از آن راهب بسته بودند همه سفال گشته بود و به جای مهر بر آن پدید گشته بر یكروی و لَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ (ابراهیم / ۴۲) و به دیگر روی پدید گشته به قدرت

۲. کاربرد آرایه‌های بیانی

«بیان ایراد معنای واحد به طرق مختلف است، مشروط بر اینکه اختلاف آن طرق (شیوه‌های مختلف گفتار) مبتنی بر تخیل باشد، یعنی لغات و عبارات به لحاظ خیال انگیزی نسبت به هم متفاوت باشند» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۳). در رابطه با کاربرد آرایه‌های بیانی چون تشبیه و استعاره و کنایه و مجاز در دو کتاب مورد بررسی باید گفت در هر دو کتاب مذکور اثری از کاربرد آرایه‌های بیانی نیست. نویسندگان تاریخ سیستان و تاریخ گردیزی بنا به رسالت خود که گزارش تاریخ به زبانی ساده و روان و به دور از هر گونه لفافه و دو پهلوگویی است صرفاً به گزارش تاریخ پرداخته‌اند. مقایسه نثر تاریخ گردیزی و تاریخ سیستان با تاریخ بیهقی از نظر کاربرد آرایه‌های بیانی نشان می‌دهد که بیهقی در روایت تاریخش با توجه به اینکه دست به اظهار نظرهای شخصی و توصیف احوالات درونی شخصیت‌های و... زده؛ بنابراین کلامی هنرمندانه‌تر داشته و می‌توان نمونه‌های از کاربرد آرایه‌های چون کنایه (که بیشترین بسامد را دارد) و تشبیه و مجاز و استعاره را در تاریخ بیهقی مشاهده نمود. این اختلاف در نثر تاریخی کتب مورد بحث شاید به سبب شغل بیهقی در دربار و یا تحولاتی که بعد نگارش تاریخ سیستان و تاریخ گردیزی در زبان فارسی رخ داده است باشد.

۳. کاربردهای علم معانی

«علم معانی که از معانی ثانوی جملات بحث می‌کند که در حقیقت مرکب از یا مربوط به چند علم صرف، نحو، لغت، اشتقاق می‌باشد. بدین سبب علم معانی را این طور تعریف می‌کنند: علم معانی عبارت است از شناختن خواص ترکیبات انواع کلام از این جهت که هر نوع مناسب چه مقامی از مقامات سخن است اعم از نظم یا نثر و شاید به همین جهت

بحیوه من جمع المکارم و الکلف

خلف بن احمد بن ابی لیث خلف
(تاریخ سیستان، ۱۳۸۱: ۲۳۱).

اما تاریخ بیهقی که زمان آغاز تحریر آن در ۴۴۸ یعنی بعد از تاریخ سیستان می‌باشد، می‌بینیم حکایات و تمثیل‌ها و اشعاری به مناسبت تاریخ و برای شاهد و مدعا و افزونی پند و عبرت آورده‌است» (بهار، ۱۳۳۷، ۲/ ۶۹)؛ بنابراین تضمین اشعار توسط بیهقی بیشتر به منظور آرایش تاریخ و پند و اندرز در رابطه با بی‌اعتباری دنیا است درحالی‌که در تاریخ سیستان تضمین اشعار صرفاً در روند نقل وقایع و تاریخ است. مؤلف در کاربرد آرایه تضمین از ابیات عربی نیز استفاده کرده و در اشاره به نام شاعر اشعار نیز باید گفت در بیشتر موارد مؤلف به نام شاعر در متن اشاره نموده و تنها در ۸ مورد اشعار تضمین شده که اشعاری عربی هستند به نام شاعر اشاره‌ای نشده‌است. از دیگر آرایه‌های بدیعی که در کتاب تاریخ سیستان بیش از چند مورد مشاهده نشده‌است؛ کاربرد ضرب‌المثل در میانه کلام است. اقبال آشتیانی نیز به کاربرد محدود این آرایه ضمن اشاره کردن به موارد آن می‌نویسد: از جمله:

- سبب سالاری یافتن مهلب: مهلب بیست ساله بود- همیشه از سپاه بر یکسو راندی و... « (تاریخ سیستان، ۱۳۸۱: ۸۵). در این صفحه و دو صفحه بعد پس از ذکر ماجرای از بخردی و کاردانی او می‌نویسد سپس سپاهیان «گفتند: این همیشه از ما برکناره باشد، عبدالرحمن گفت: «الأشرافُ فی الاطراف» بیشتر این مثل را سبب مهلب بود» (همان: ۸۷).

- په اندر شکم بنجشک نباشد اندر شکم گاو گرد آید و... مرغ به مرغ توان گرفتن و درم به درم توان ساختن و مردان به مردان استمالت توان کردن» و نیز «اگر پیر خر بار نکشد راه برد (همان: ۲۶۸-۲۶۹).

گاهی بنا به اغراض آن را حذف می‌کنند» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۴۹). غرض ثانوی حذف مسندالیه در اغلب موارد به سبب تکیه جمله بر مسند و یا نبودن غرضی است که مقتضی ذکر مسندالیه باشد، صورت گرفته‌است.

فعل مفرد: «یعنی آشکار نکردن مسندالیه و اشاره به آن به صورت ضمیر مستتر در فعل سوم شخص مفرد (شناسه). این عمل وقتی جایز است که در کلام قرینه لفظی باشد. البته گاهی به قراین حالی (معنوی) هم اشاره به مسندالیه مفرد با شناسه جایز بلکه مستحسن است، مثلاً: وقتی فرصت تنگ باشد و یا وقتی مسندالیه شناخته شده باشد» (همان: ۱۴۹). در دو کتاب مذکور حذف مسندالیه در جملاتی که فعل آنها مفرد است تنها به قرینه لفظی صورت گرفته‌است. مثلاً:

- چون شاپور ذوالاکتاف شانزده ساله شد، سپاه جمع کرد و روی به جانب دیار عرب نهاد و بسیار مردم از دیار عرب بکشت (گردیزی، ۱۳۶۳: ۵۰).
- کوررنگ بیش از سی سال زندگانی نکرد و به روزگار گرشاسب فرمان یافت و چون گرشاسب به خداپرستی مشغول گشت، جهان پهلوانی را به نبیره خود نریمان که پسر کوررنگ بود سپرد (تاریخ سیستان، ۱۳۸۱: ۵۲).

فعل جمع: «یعنی آشکار نکردن مسندالیه و اشاره به آن به صورت ضمیر مستتر در فعل سوم شخص فعل جمع ماضی یا مضارع (شناسه). از جمله موارد حذف مسندالیه در جملاتی که فعل جمله جمع است: وقتی که فرصت تنگ باشد، هرگاه مسندالیه بسیار آشکار باشد، اگر تکیه روی گزاره باشد نه نهاد یا کراهت از ذکر مسندالیه و تحقیر آن...» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۵۰). در دو کتاب مذکور حذف مسندالیه در جملاتی که فعل آنها جمع است تنها به این دلیل که تکیه روی گزاره (مسند) بوده صورت گرفته‌است. مثلاً:

صاحب اسرارالبلاغه این فن را اغراض النحو نامیده است» (همایی، ۱۳۷۳: ۸۷). فرشیدورد در کتاب دستور مختصر تاریخی جمله را این‌گونه تعریف می‌نماید: «جمله سخنی است که متضمن اسناد و دارای درنگی پایانی و معنایی کامل باشد، مانند: احمد از تبریز آمد» (فرشیدورد، ۱۳۸۷: ۶۳).

او همچنین در کتاب جمله و تحول آن در زبان فارسی ترتیب اجزای جمله را این‌گونه بیان کرده‌اند: «ترتیب اجزای جمله از قدیم ترین زمان‌ها تا کنون در زبان فارسی به شکل (مسندالیه، وابسته فعل، فعل) بوده است. مراد از وابسته‌های فعل (مسند، مفعول، قید، متمم قیدی) است. باید توجه داشت که در تمام جمله‌ها دو دسته واژه وجود دارد: واژه‌هایی که در آغاز جمله قرار دارند و نسبتی به آنها داده شده و واژه‌هایی که به دسته نخستین، اسناد داده شده‌اند. دسته اول مسندالیه (نهاد) و دسته دوم مسند (گزاره) است» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۲۳۱).

«ربط بین مسندالیه (نهاد) و مسند (گزاره) را اسناد می‌گویند. در علم معانی اسناد هم به وسیله فعل ربطی و هم به وسیله فعل غیر ربطی صورت می‌گیرد. اسناد یا حقیقی است یا مجازی. اسناد حقیقی نسبت دادن فعل به فاعل حقیقی است و به آن حقیقت عقلی هم می‌گویند. اسناد مجازی نسبت دادن فعل به فاعل غیر حقیقی است و به آن مجاز عقلی هم می‌گویند. اسناد حقیقی مخصوص زبان عادی و علمی و تاریخی است اما اسناد مجازی مخصوص زبان ادبی است و درحقیقت ادبیات، عرصه تاخت و تازهای اسناد مجازی است و یکی از دلایل مخیل بودن سبک ادبی هم همین اسنادهای مجازی است» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۴۱).

۱-۳. احوال مسندالیه

۱-۱-۳. حذف مسندالیه

«بدیهی است که اصل بر ذکر مسندالیه است، اما

- ولید عبدالملک، چون مدرک مهلب به سیستان آمد، به دمشق فرمان یافت و چهل و هشت سال او را عمر بوده بود و سلیمان بن عبدالملک هم اندرین روز به خلافت نشست (تاریخ سیستان، ۱۳۸۱: ۱۵۴).
 {اقتضای اصل و امانت داری و جلوگیری از تحریف و ترس از اشتباه از دلایل ذکر مسندالیه در جملات کتاب تاریخ سیستان است}

۳-۱-۳. تنکیر مسندالیه

«در زبان فارسی همه اسم ها معرفه هستند مگر اینکه با ادات تنکیر همراه شوند. آوردن مسندالیه نکره در زبان عادی برای آن است که به یکی یا فردی غیرمعینی دلالت کند. اما در علم معانی برای مقاصد دیگری است، از جمله: اگر تکیه برمسند باشد نه مسندالیه، اگر قصد پنهان کردن هویت مسندالیه باشد، به منظور تعظیم و مبالغه یا تقلیل و تحقیر و یا برای بیان نوع» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۵۲). با توجه به محتوای کتب مورد بررسی که اصل بر ذکر دقیق نام اشخاص است بنابراین کاربرد مسندالیه به صورت نکره خیلی کم در این دو کتاب مشاهده می شود.

- مردی سست بود و بسیار خلل درآمد اندر پادشاهی ایران بروزگار او (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۷).
 - و مردمان را تألف کرد و مردی کاری بود... (تاریخ سیستان، ۱۳۸۱: ۱۵۳).

- دیر برنیاید تا فرزندی از تو بیاید که جهان همه او را مسخر گردد (همان: ۹۳).

جدول و نمودار اغراض ثانوی کاربرد مسندالیه نکره در

تاریخ گردیزی

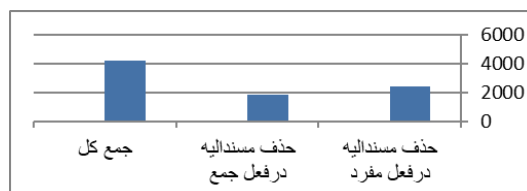
تعداد	اغراض ثانوی
۶	تعظیم و مبالغه
۳	تقلیل و تحقیر
۵	بیان نوع
۱۱	تکیه برمسند
۲۵	جمع کل

- امیر فرمود: تا شهر آیین بستند و او را به اعزاز و اکرام اندر شهر آوردند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۱۶۹).

- و به بست فرمان داد طاهر تا نه گنبد برآوردند نو و بستانها ساختند پیرامن آن و میدان برآوردند (تاریخ سیستان، ۱۳۸۱: ۲۸۱).

نمودار و جدول حذف مسندالیه در کتاب تاریخ گردیزی

حذف مسندالیه	تعداد
حذف مسندالیه در فعل مفرد	۲۴۱۳
حذف مسندالیه در فعل جمع	۱۸۱۸
جمع کل	۴۲۳۱

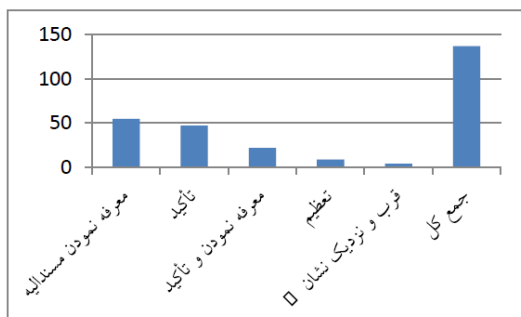
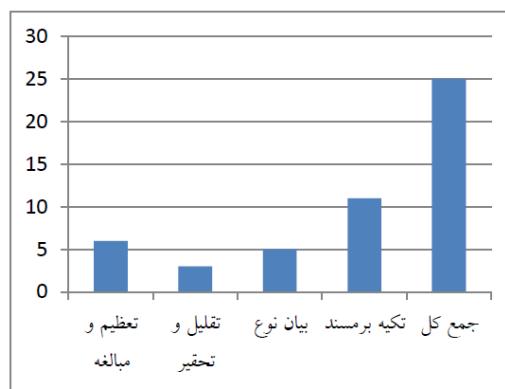


۳-۱-۲. ذکر مسندالیه

«ذکر مسندالیه در بعضی از مواقع واجب است و در پاره‌ای موارد راجح، ذکر مسندالیه هنگامی واجب است که قرینه‌ای بر حذف آن موجود نباشد؛ زیرا اگر با نبودن قرینه مسندالیه را حذف کنند، کلام مختل می‌گردد و مقصود فهمیده نمی‌شود... از مواردی که ذکرش بر حذفش رجحان می‌یابد از این قرار است: اقتضای اصل، فزونی ایضاح، ترس از اشتباه، تنبیه مخاطب، تعظیم یا اهانت، برای بسط و اطلاع کلام» (رجایی، ۱۳۶۰: ۴۳). اغلب جملات دو کتاب مذکور دارای مسندالیه هستند و هدف نویسنده از ذکر مسندالیه بنابر آنچه مقتضای کتب تاریخی است اقتضای اصل، ترس از اشتباه، تأکید و تعظیم بوده است. مثلاً:

- یزدجرد آخرین ملوک عجم بود و پانزده ساله بود، به پادشاهی نشست (گردیزی، ۱۳۶۳: ۵۹).
 {اقتضای اصل، در کتاب‌های تاریخی ذکر اسم اشخاص برای رعایت امانت و جلوگیری از تحریف تاریخ لازم است}

تعداد	اغراض ثانوی
۵۵	معرفه نمودن مسندالیه
۴۷	تأکید
۲۲	معرفه نمودن و تأکید
۹	تعظیم
۴	قرب و نزدیک نشان دادن مسندالیه
۱۳۷	جمع کل

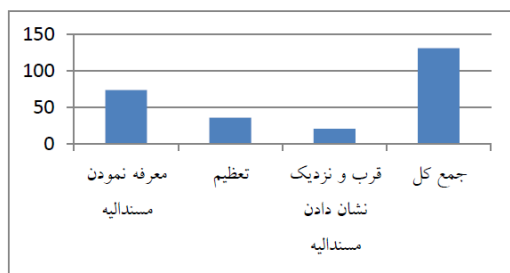
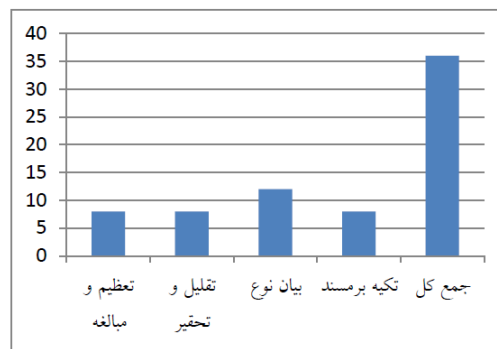


جدول و نمودار اغراض ثانوی کاربرد مسندالیه نکره در تاریخ سیستان

تعداد	اغراض ثانوی
۸	تعظیم و مبالغه
۸	تقلیل و تحقیر
۱۲	تکیه برمسند
۸	معرفی نکردن مسندالیه
۳۶	جمع کل

جدول و نمودار اغراض ثانوی کاربرد مسندالیه با صفت اشاره در تاریخ سیستان

تعداد	اغراض ثانوی
۷۴	معرفه نمودن و تأکید
۳۶	تعظیم
۲۱	قرب و نزدیک نشان دادن مسندالیه
۱۳۱	جمع کل



۳-۱-۴. مسندالیه با صفت اشاره

گاهی مسندالیه با صفات اشاره آورده می‌شود و این کار بیشتر به منظورهایی چون تأکید، تعظیم، قرب و نزدیک نشان دادن مسندالیه و... است. مثلاً:

- و این مهدی شمشیری حمایل داشتی (گردیزی، ۱۳۶۳: ۱۶۹).

- این نور مصطفی است که بتان بشکند و کفار هلاک کند (تاریخ سیستان، ۱۳۸۱: ۸۰).

جدول و نمودار اغراض ثانوی کاربرد مسندالیه با صفت اشاره در تاریخ گردیزی

۳-۱-۵. مسندالیه با صفت مبهم

گاهی مسندالیه را با صفت های مبهم «هر، بعضی» آورده می‌شود. «ذکر مسند الیه با صفت مبهم به منظورهایی مختلفی است، از جمله: در مواقع حکم کلی و ایراد قوانین علمی، در مواقع اغراق و ادعا، در مواقع پند و اندرز یا وقتی قصد معرفی نکردن مسندالیه باشد و یا اینکه تکیه روی مسند باشد نه

۳-۱-۶. کاربرد مسندالیه ضمیر

گاهی برای عدم تکرار اسامی به جای آنها از ضمیر های منفصل استفاده می‌شود، این کار علاوه بر جلوگیری از تکرار، شیوه‌ای در معرفه کردن مسندالیه هم می‌باشد. در بررسی کتاب تاریخ گردیزی ۳۳۳ مورد استفاده از ضمیر در جایگاه مسندالیه مشاهده شد. مثلاً:

- فضل یک سال به شهر ری مقام کرد و حيله ها ساخت تا دل محمدبن یحیی خوش کرد، که محمد را به زنهار برند و گفت: من امان نامه رشید خواهم بخت دست او (گردیزی، ۱۳۶۳: ۹۷).
در بررسی کتاب تاریخ سیستان ۲۴۶ مورد کاربرد ضمیر در جایگاه مسندالیه مشاهده شد. مثلاً:
- چون این شعر برخوانند او عالم نبود درنیافت (تاریخ سیستان، ۱۳۸۱: ۲۲۴).

۳-۱-۷. مسندالیه با موصول «که»

گاهی مسندالیه با «که» موصول آورده می‌شود و جمله‌ی بعد از «که» موصول را تأویل به مسندالیه می‌نمایند. این کار به مقاصد مختلفی از جمله: تأکید و تعظیم، تأکید و تحقیر، تحقیر و تنبیه، مفاخره، تعریض و تأیید یا تکذیب می‌تواند باشد» (شمیسا و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۴). از جمله نمونه‌های کاربرد مسندالیه با موصول «که»:

- فضل و حسین و محمد، پسران سهل بن هاشم‌اند که علم نجوم نیکو دانست (گردیزی، ۱۳۶۳: ۱۶۴).

- گرشاسب و نبیره‌گان او تا فرامرزن رستم همه بر آن طریقت بودند که آدم علیه‌السلام آورده بود (تاریخ سیستان، ۱۳۸۱: ۷۳).

جدول و نمودار اغراض ثانوی کاربرد مسندالیه با

موصول «که» در تاریخ گردیزی

تعداد	اغراض ثانوی
۶	مفاخره

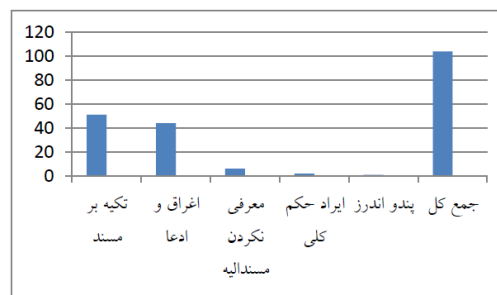
مسندالیه» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۵۵). از جمله نمونه‌های کاربرد مسندالیه با صفت مبهم:

- هر کس که این تاج بدارد و بر تخت نشیند، پادشاهی را شایان گردد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۵۲).
- هر که سر او پیش من آرد او را ده هزار درم بدهم (تاریخ سیستان، ۱۳۸۱: ۶۲).

جدول و نمودار اغراض ثانوی کاربرد مسندالیه با صفت

مبهم در تاریخ گردیزی

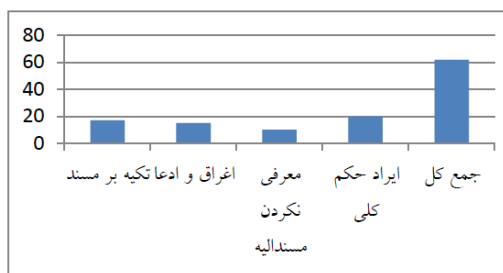
تعداد	اغراض ثانوی
۵۱	تکیه بر مسند
۴۴	اغراق و ادعا
۶	معرفی نکردن مسندالیه
۲	ایراد حکم کلی
۱	پند و اندرز
۱۰۴	جمع کل



جدول و نمودار اغراض ثانوی کاربرد مسندالیه با صفت

مبهم در تاریخ سیستان

تعداد	اغراض ثانوی
۱۷	تکیه بر مسند
۱۵	اغراق و ادعا
۱۰	معرفی نکردن مسندالیه
۲۰	ایراد حکم کلی
۶۲	جمع کل



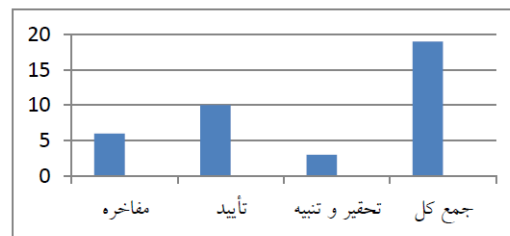
اندک است به نحوی که حذفی هم در عبارات صورت نگرفته باشد. بدین ترتیب متکلم باید مطلب مفصل یا تقریباً مفصلی را بدون تکلف در حداقل الفاظ ممکن بیان کند از این رو ایجاز قصر را می توان شرح و بسط داد. در ایجاز قصر معمولاً بسامد فعل بالاست.

۲) ایجاز حذف: «ایجازی است که با حذف قسمتی از کلام تحقق پذیرفته باشد. در اینجا شرط بلاغت این است که در فهم معنی خللی وارد نشود، یعنی مورد محذوف باید به قرینه دریافته شود» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۱۲).

تأثیرپذیری نثر تاریخ گردیزی از نثر تاریخ بلعمی که از آثار منثور قبل از قرن پنجم است و نیز همچنین اهتمام نویسندگان کتاب تاریخ گردیزی و تاریخ سیستان در خلاصه‌گویی و ذکر مطالب مهم از علل ایجاز در این دو کتاب است. با توجه به کاربرد جملات کوتاه و بسامد بالای فعل در این کتب مورد بررسی می‌توان گفت که ایجاز به کار رفته از نوع ایجاز قصر است. از جمله نمونه‌های ایجاز در کتاب تاریخ گردیزی:

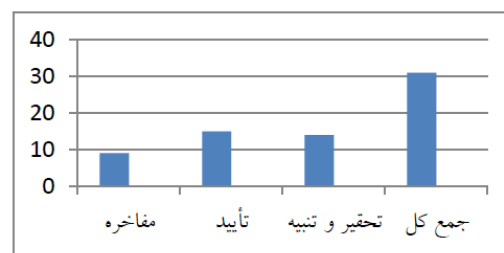
- امیر محمود قصد کشمیر کرد، از غزنین روی بر آن جانب نهاد. چون به دره کشمیر رسید، هوا سرد شد و زمستان اندر آمد و اندر دره‌ی کشمیر حصاری بود بس حصین و محکم، اندرو آب و مردم انبوه. آن حصار را الوهکوت خوانند یعنی حصار آهنین. پیش آن حصارلشکر را فرود آورد. جنگ بیوست و چندگاه اندران بود و چون وجه گرفت که آن حصار سنده شود، سرمای سخت اندر آمد، برف آمدن گرفت، و جهان یخ بند شد چنانکه نیز دست از سرما کار نکرد. از راه کوه‌ها مر آن حصار را مدد رسید از کشمیر، و قوت یافتند. چون امیر محمود رحمه الله حال بر آن جمله بدید اندیشه کرد، که نباید بر سپاه وی حیلتی رود، و از آن قلعه بازگشت و به صحرا بیرون آمد از آن

تأیید	۱۰
تحقیر و تنبیه	۳
جمع کل	۱۹



جدول و نمودار اغراض ثانوی کاربرد مسندالیه با موصول «که» در تاریخ سیستان

تعداد	اغراض ثانوی
۹	مفاخره
۱۵	تأیید
۱۴	تحقیر و تنبیه
۳۸	جمع کل



۲-۳. ایجاز و اطناب

«ایجاز کوتاه کردن کلام و آوردن لفظ اندک است با معنی بسیار. و سخنی را که بدان صفت باشد، موجز خوانند، در مقابل طولانی و مطول. به عبارت دیگر، ایجاز آن است که گوینده و نویسنده آنچه را در ضمیر اوست و قصد تفهیم آن را دارد در عبارتی کوتاه و الفاظی اندک با رعایت فصاحت و بلاغت چنان بیرورانده که تمام مقصود او را بفهماند بی آنکه موجب اخلال و تعقید معنی و مراد شده باشد؛ و کلام موجز آن است که از حشو و زوائد پیراسته باشد» (همایی، ۱۳۷۳: ۴۰۴).

«ایجاز را در علم معانی به دو نوع تقسیم کرده‌اند: ۱) ایجاز قصر: آن گنجاندن معنی در لفظ

دانست. هر دو کتاب تاریخ سیستان و تاریخ گردیزی از نظر ظرافت‌های علم معانی و کاربرد حداقل نویسنده از احوال مسندالیه در جهت استفاده از اغراض ثانوی کلام و بیان مقصود بدون استفاده از اغراض ثانوی کلام، در خور توجه است. همچنین نثر هر دو کتاب مورد بررسی از نمونه‌های بارز ایجاز به شمار می‌روند و این امر به دلیل عدم تأثیرپذیری از زبان عربی و عدم کاربرد مترادفات و توصیفات طولانی است. این درحالی است که در تاریخ بیهقی (مقارن با تاریخ گردیزی و تاریخ سیستان) کاربرد آرایه‌ها و شاخصه‌های بلاغی از جمله سجع، تشبیه، کنایه، تضمین و... چشمگیرتر است. این امر گواه این مدعاست که کتب تاریخی بدون قرون اولیه زبان فارسی دربردارنده شاخصه‌های اصیل زبان فارسی از نظر زبانی، فکری و ادبی هستند.

منابع

ابراهیمی، الهه (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی سطح زبانی و ادبی تاریخ گردیزی و تاریخ عالم‌آرای عباسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام.

آزند، یعقوب (۱۳۸۰). تاریخ نگاری دوره مغول، مجموعه مقالات تاریخ نگاری در ایران. ترجمه و تألیف یعقوب آزند. چاپ اول. تهران: انتشارات گستره.

برتولد، اشپولر (۱۳۸۰). تکوین تاریخ نگاری در ایران، مجموعه مقالات تاریخ نگاری در ایران. ترجمه و تألیف یعقوب آزند. چاپ اول. تهران: گستره.

بهار، محمدتقی (۱۳۳۷). سبک‌شناسی. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

_____ (۱۳۸۱). سبک‌شناسی، یا تاریخ تطور نثر فارسی: برای تدریس در دانشکده و دوره دکتری ادبیات. تهران: زوار.

پزشک، منوچهر (۱۳۸۵). «تاریخ سیستان». دایره المعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.

پناهی، وجیهه (۱۳۸۷). «اصطلاحات دیوانی و اداری

کوه و دره‌ها، چون وقت بهار آمد بغزنین باز آمد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۱۸۷).

از جمله نمونه‌های ایجاز در کتاب تاریخ سیستان:
- چون خط و شعر او بدید خجل ماند و اندر وقت او را پیش خویش آورد و عذر خواست و دو یاقوت سرخ گرانمایه به دست همی گردانید، گفت: یا ابوالاسد بیست هزار درم دوستر داری یا از این یکی؟ بیست هزار درم بیاورد و غلام خویش را گفت: برگیر. پس گفت... و یک سال به سیستان بود، باز پدر وی را به سیستان فرستاد و پسر خویش عبدالله را خلیفت کرد که مردمان از نیکوسیرت وی شکر بسیار کردند و به سیستان بود تا گاه وفات وی، پس وصیت کرد پسر خویش را که مرا هم اینجا دفن کن که این مردمان مرا دوست دارند تا ذکر من اینجا بماند میان دوستان من... (تاریخ سیستان، ۱۳۸۱: ۱۳۸-۱۳۹).

نتیجه

بررسی دو کتاب تاریخ سیستان و کتاب تاریخ گردیزی بیانگر آن است که هر دو نسبت به کتاب‌های هم دوره خود در دوره غزنویان نثری ساده و روان دارند. این امر در این دو کتاب می‌تواند به دلیل تأثیرپذیری از نثر تاریخ بلعمی (تألیف دوره سامانیان) باشد و همچنین اهتمام نویسندگان کتاب تاریخ گردیزی و تاریخ سیستان در نقل تاریخ به شکل خلاصه و زبانی ساده باشد. آمار به‌دست‌آمده از بررسی ویژگی‌های بیانی و بلاغی این دو اثر بیانگر این است که از ویژگی‌های ادبی نثر تاریخ گردیزی و تاریخ سیستان عدم کاربرد صنایع بدیع لفظی و آرایه‌های بیانی و کاربرد انگشت‌شمار آرایه بدیع معنوی استشهاد به آیات و احادیث و تضمین به اشعار شاعران فارس و عرب است. از دلایل این امر را می‌توان در عدم تألیف کتب بلاغی در این دوره به زبان فارسی

- در تاریخ سیستان». پژوهشنامه فرهنگ و ادب بهار. شماره ۶. صص ۱۶۳-۱۹۸.
- تاریخ سیستان (۱۳۸۱). تصحیح ملک الشعراى بهار. تهران: انتشارات معین.
- خطیبی، حسین (۱۳۹۰). فن نثر در ادب پارسی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات زوار.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۱). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۶۳). امثال و حکم. چاپ ششم. تهران: امیرکبیر.
- دهمده، برات (۱۳۷۸). «نگاهی به سبک تاریخ‌نگاری تاریخ سیستان». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. شماره ۲۳. صص ۱۴-۱۷.
- رجایی، محمدخلیل (۱۳۹۲). معالم البلاغه (در علم معانی، بیان، بدیع). شیراز: دانشگاه شیراز.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). تاریخ ایران پس از اسلام. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
- سلیمانی، امیرقلی (۱۳۸۸). بررسی عناصر دستور تاریخی در کتاب تاریخ سیستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه یزد.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۸). سبک شناسی نثر. تهران: انتشارات میترا.
- _____ (۱۳۸۴). کلیات سبک شناسی. تهران: انتشارات میترا.
- _____ (۱۳۸۳). بیان و معانی. چاپ هشتم. تهران: انتشارات فردوس.
- شمیسا، سیروس؛ بهنام، رسول (۱۳۸۹). «بررسی احوال مسندالیه در کتاب راحه الصدور و آیه السرور». فصلنامه ادبیات فارسی. سال ششم. شماره ۱۵. صفحات ۱۷-۵۶.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: انتشارات سخن.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۷). دستور مختصر تاریخی. تهران: انتشارات زوار.
- _____ (۱۳۸۲). جمله و تحول آن در زبان فارسی. تهران: امیرکبیر.
- گردیزی، عبدالحی بن ضحاک (۱۳۶۳). زین الاخبار. تصحیح عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب.
- لاری منفرد، رؤیا (۱۳۸۵). مقایسه تاریخی. زبانی و بلاغی تاریخ بیهقی و زین الاخبار گردیزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۳). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر هما.